

فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و سوم، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۵-۳۰

تأثیر حداقل دستمزد بر قیمت کالاهای خدمات در بخش صنعت: مطالعه موردي ایران

سعید عيسی‌زاده

دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)
saeedisazadeh@gmail.com

راضیه علمیان

کارشناس ارشد اقتصاد

Razieh_elmian@yahoo.com

چکیده

امروزه یکی از موضوعات مهم اقتصادی در بازار کار تعیین حداقل دستمزد است. این اقدام عموماً در جهت حمایت از نیروی کار، حفظ و ارتقای قدرت خرید و رفاه زندگی شاغلین در بازار کار، اتخاذ می‌گردد. اما اهمیت اصلی این موضوع بیشتر به سبب تأثیر اجتماعی و اقتصادی آن است. پژوهش حاضر تلاش کرده است تا اثر افزایش در حداقل دستمزدها را بر قیمت کالاهای خدمات، در بخش صنعت در ایران، با استفاده از جدول داده- ستانده سال ۱۳۸۰ شمسی، در قالب فرضیه‌ها مختلف مورد ارزیابی قرار دهد. به منظور ارزیابی اثرات افزایش حداقل دستمزد تحت دو فرضیه پوشش کار کنان حداقل دستمزد را $13/5$ درصد و 28 درصد و همچنین در حالت‌های بدون سریز و با وجود آن در نظر گرفته شده است. با توجه به افزایش 24 درصدی در سال 1380 ش در حداقل دستمزدها، نتایج به دست آمده از تخمین مذکور، نشانگر اثر مشت تعيين حداقل دستمزد بر قيمتها به شيوه كونني است که به طور متوسط افزایش $0/21$ تا $0/61$ درصدی را در قیمت‌های بخش صنعت در فرضیه‌های مختلف نشان می‌دهد. بنابراین، طبق نتایج به دست آمده مشخص می‌شود که اثر حداقل دستمزد بر قیمت‌ها قابل ملاحظه نمی‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: E24, J31

واژه‌های کلیدی: حداقل دستمزد، سطح عمومی قیمت‌ها، اثرات سریز، تحلیل داده- ستانده، بخش صنعت.

۱. مقدمه

مسئله تعیین حداقل دستمزد برای کارگران همواره یکی از مقولات مجادله‌برانگیز در عرصه کار و تأمین اجتماعی بوده است. تعیین حداقل دستمزد و افزایش‌های منظم یا نامنظم آن اثرات اجتماعی- اقتصادی مختلفی را دربردارد. بنابراین، بررسی ابعاد مختلف تعیین حداقل دستمزد از موضوعات مهم اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به شمار می‌رود. یکی از جنبه‌های بسیار مهم تأثیر حداقل دستمزد بر هزینه‌های تولید و، در نتیجه، سطح عمومی قیمت‌هast زیرا بنا به ارتباط‌های بین بخشی در اقتصاد، افزایش سطح دستمزد در جامعه موجب بروز اثرات مرحله‌ای در کلیه بخش‌های اقتصادی می‌شود. افزایش حداقل دستمزد که معمولاً به منظور حفظ قدرت خرید گروه‌های کارگری اجرا می‌شود، خود می‌تواند باعث تورم شود. چرا که افزایش حداقل دستمزدها منجر به افزایش هزینه‌های نیروی کار و افزایش هزینه تولید خواهد شد که اگر هزینه افزایش یافته نیروی کار را مصرف کنندگان آن صنعت پردازند در این صورت قدرت خرید واقعی مصرف کنندگان کاهش خواهد یافت و خانوارهای کم‌درآمد که افزایش حداقل دستمزد، بیشتر برای کمک به آنها صورت گرفته بود، آسیب بیشتری می‌بینند. به عبارت دیگر، افزایش در حداقل دستمزد ممکن است خود باعث کاهش دستمزد واقعی شود.

در این مطالعه تلاش شده است اثر افزایش در حداقل دستمزدها را بر قیمت کالاها و خدمات، در بخش صنعت در ایران با استفاده از جدول داده- ستانده سال ۱۳۸۰ ش، در قالب فرضیه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه به بررسی مبانی نظری موضوع و مروری بر مطالعات تجربی پرداخته شده است. سپس با تشریح مدل داده ستانده و فرضیه‌های گوناگون مدل‌های مختلف برآورد شده‌اند. در پایان نیز نتایج و پیشنهادات ارائه گردیده است.

۲. مبانی نظری

مبانی نظری خرد درخصوص حداقل دستمزد چنین بیان می‌کنند که کارفرماها هنگامی که با افزایش‌های حداقل دستمزد مواجه می‌شوند، از تعداد شاغلین در بنگاه می‌کاهند. همین امر باعث شده است تا شواهد گسترده‌ای درباره تأثیرات اشتغالی حداقل دستمزد وجود داشته باشد. اما نظریات اقتصادی همچنین پیش‌بینی می‌کنند که اگر بنگاه با یک شوک هزینه، همانند افزایش‌های حداقل دستمزد، مواجه شود، می‌تواند آن را به قیمت‌ها منتقل کند.

شواهد تجربی موجود همواره اثر منفی روی اشتغال را که به وسیله تئوری پیش‌بینی می‌شود، تأیید نمی‌کنند. همین زمانی که استخدام و سود تحت تأثیر قابل توجه قرار نمی‌گیرند، قیمت‌های بالاتر همچون راه دیگری برای عکس‌العمل به افزایش حداقل دستمزد ظهور می‌کنند. در صورتی افزایش

حداقل دستمزد به قیمت‌ها منتقل نمی‌شود که بنگاه‌هایی که از این شوک متأثر شده‌اند مجبور به رقابت با بنگاه‌هایی باشند که به وسیله این افزایش هزینه متأثر نشده‌اند و گرنه چنانچه شوک در سطح صنعت باشد افزایش قیمت‌ها حتمی است (لوموس، ۲۰۰۶).

مبانی نظری شکل گرفته درخصوص پدیده تورم نشان می‌دهد که تورم ناشی از فشار هزینه به دلیل افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه کل اتفاق می‌افتد. این نظریه در دهه ۷۰ میلادی همزمان با بروز پدیده تورم توأم با بیکاری به وقوع پیوست. در اوایل این دوره شوک نفتی دوم اتفاق افتاد که در نتیجه آن تورم و بیکاری به صورت همزمان افزایش و نرخ‌های رشد بهره‌وری کاهش یافت. این اتفاقات مفهوم جدیدی را در اقتصاد رواج داد که با عنوان تورم رکودی معروف شد. (ایتوو و همکاران، ۱۹۸۸). از همین زمان بود که عمودی بودن منحنی فیلیپس بلندمدت در یک نرخ طبیعی بیکاری، صرف‌نظر از نرخ تورم موجود مطرح شد که بر این اساس در بلندمدت رابطه مبادله بین تورم و بیکاری وجود ندارد. (بورجاس، ۲۰۰۵)

۳. موردی بر مطالعات تجربی

در ارتباط با این موضوع تحقیقات زیادی در کشورهای مختلف صورت گرفته است. بسکر و تو^۱، در اگوست ۱۹۹۸، در مقاله‌ای با نام "حداقل دستمزدها برای انحصارهای خرید رونالد مک دونالد"^۲ به یک مدل رقابت انحصاری برای ارزیابی تأثیر حداقل دستمزد اشاره می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که اگر بازار رقابتی باشد استخدام و قیمت صنعت با هم رابطه عکس دارند؛ اما اگر بنگاه‌ها از قدرت بازاری تولید برخوردار باشند یک افزایش در حداقل دستمزد، استخدام و قیمت‌های صنعت را افزایش می‌دهد.

لوموس (۲۰۰۶) [در مطالعه وضعیت بزرگیل] از تجزیه و تحلیل رگرسیونی و داده‌های قیمت مصرف کننده ماهانه به علاوه داده‌های خانوارها (برآورد اشتغال ماهانه^۳) و داده‌های بنگاه (برآورد صنعتی ماهانه^۴)، مربوط به سال‌های ۱۹۸۲-۲۰۰۰، استفاده کرد و فهمید که ۱۰ درصد افزایش در حداقل دستمزد، قیمت‌های سراسری را حدود ۰/۸ درصد، بعد از ۵ ماه از تعديل، افزایش می‌دهد. لموس (۲۰۰۴) همچنین دریافت که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های پرداخت شده به وسیله فقرا (ثروتمندان) را در حدود ۰/۱۲ درصد (۰/۰۴ درصد)، در همان ماه افزایش [حداقل

1. Ted To

2. PME

3. PIM

دستمزد]، در حدود ۰/۲۷ درصد (۰/۱۶ درصد) بعد از ۶ ماه، و در حدود ۰/۱۷ درصد (۰/۱۵ درصد) بعد از ۱۱ ماه، افزایش می‌دهد. این مورد اشاره می‌کند که تورمی که مصرف کنندگان فقیر در بزریل تجربه می‌کنند ۳ برابر بالاتر از مصرف کنندگان ثروتمند در ماه افزایش [حداقل دستمزد] باید. این اثر متفاوت در طول زمان کاهش می‌باید و به طور کلی نرخ یکسانی بعد از یک سال از تعديل وجود دارد. ول夫 و ندیری (۱۹۸۱) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثرات جانشینی، بدون درنظر گرفتن اثر اشتغال و بدون اثرات سریز، برآورد کردند که افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌ها را در حدود ۰/۳ تا ۰/۴ درصد افزایش می‌دهد. یک بخش مهم از مدل آنها، اقامه کردن دلیل موجه برای ناموفق نشان دادن مدل‌های داده-ستاند برای پیش‌بینی عکس‌العمل‌های بلندمدت می‌باشد. این موضوع به دلیل فرض ضمی نبودن جانشینی بین کالاها و خدمات و فرض ثابت بودن اشتغال و تولید در کوتاه‌مدت است.

لی و اورووارک (۱۹۹۹) تأثیرات افزایش حداقل دستمزد را بر قیمت‌های غذا، تولیدات وابسته و صنایع خدمات غذایی در آمریکا بررسی کردند. نتایج نشان داد که در دوره مورد مطالعه (۱۹۷۲-۱۹۷۷ م) افزایش نیم دلار در حداقل دستمزد، قیمت‌ها را کمتر از یک درصد برای بیش از ۱۲ نوع غذا و تولیدات وابسته و یک درصد در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی افزایش می‌دهد و یکی از نتایجی که گرفتند این بود که در صنایع غذایی با افزایش حداقل دستمزد، درصد کارگران با دستمزد پایین کاهش می‌باید، در نتیجه، فشار کمتری بر قیمت کالاها وارد می‌شود. اما در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی، با افزایش حداقل دستمزد، درصد کارگران حداقل دستمزد افزایش می‌باید و، در نتیجه، فشار بیشتری بر قیمت غذا وارد می‌شود. نتیجه دیگری که گرفتند این بود که افزایش قیمت در کل صنعت خیلی بالا نبود. بنابراین، بعید است که هزینه‌های بیشتر غذا، دستمزد کارگران با حداقل دستمزد را کاملاً خنثی کند.

لی و همکاران (۲۰۰۰) در بررسی شان به این نتیجه می‌رسند که در آمریکا در سال ۱۹۹۲ م، افزایش ۱۲ درصدی در حداقل دستمزد کمتر از یک درصد قیمت‌های غذا را در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی و کمتر از ۰/۴ درصد قیمت غذاهای فرآوری شده را افزایش می‌دهد و در سال ۱۹۹۷ م، ۹ درصد افزایش در حداقل دستمزد، قیمت‌های غذا را ۰/۹ درصد در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی و کمتر از ۰/۳ درصد در قیمت غذاهای فرآوری شده افزایش می‌دهد.

در تحقیقی مشابه، اوبراين و مک‌کوردی (۲۰۰۰) یک دیدگاه هزینه و منفعت برای افزایش حداقل دستمزد دارند. آنها نشان دادند که افزایش حداقل دستمزد در ایالات متحده، در ۱۹۹۹-۲۰۰۰ م، خانواده‌های کالیفرنیایی را تحریک می‌کند تا بعد از اینکه درآمدهای بالاتر را دریافت کردن مبلغ

بیشتری را برای کالاهای خدمات پرداخت کنند. آنها برآورد کردند که افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های کالا را در حدود ۰/۳ تا ۲/۱۶ درصد افزایش می‌دهد. روی هم رفته، یافته‌های کلیدی تحقیق‌شان این بود که خانوارهای فقیر کمتر از نیمی از منافع اضافی [ناشی از حداقل دستمزد] را به دست می‌آورند.

مک کوردی و مک ایتسایر^۱ (۲۰۰۱) برآورد کردند که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های سراسری را در حدود ۰/۲۵ درصد و قیمت‌های غذایی را که در بیرون (درون) خانه مصرف می‌شود در حدود ۱/۲ درصد (۰/۸ درصد) افزایش می‌دهد.

در اقتصاد ایران نیز جلالی نائینی و میرحسینی (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای با عنوان «یک الگوی تلفیقی تورم: فشار هزینه و اضافه تقاضا» به بررسی اثر تکانه‌های تقاضا و فشار هزینه بر تورم، طی دوره ۷۵-۱۳۳۸ش، به روش اقتصادسنجی پرداختند. در این الگو، تورم به صورت یک کنش عرضه و تقاضا، یعنی جمع فشار هزینه و مازاد تقاضا در نظر گرفته شده است. بخش عرضه به بررسی مسئله فشار هزینه و اثر آن بر سطح قیمت‌ها می‌پردازد. در این بخش، اثر سطح دستمزدها و سطح قیمت کالاهای وارداتی و دیگر عوامل هزینه‌ای بر سطح کل قیمت‌ها می‌شود. در بخش دوم، عملکرد بازار پول و اثر افزایش نقدینگی بر تقاضای اسمی و تأثیر آن بر سطح قیمت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج بلندمدت ناشی از تخمین الگو نشان می‌دهد که شاخص قیمت کالاهای وارداتی بیشترین تأثیر را در افزایش قیمت دارد. همچنین حجم پول بر سطح قیمت‌ها تأثیر بسیار می‌گذارد و در مراحل بعد سطح دستمزدهای واقعی و نرخ ارز اثرات مثبتی بر سطح قیمت‌ها دارند.

در مطالعه دیگری، جهانی راینی و همکارانش (۱۳۸۶)، به بررسی تورم در ایران به صورت تجربی و با کمک آمار و ارقام پرداختند. ایشان یکی از دلایل تورم در ایران را تورم ناشی از فشار هزینه عنوان کردند و اشاره کردند که افزایش حقوق و دستمزد مهم ترین منبع تورم از مقوله فشار هزینه است. ایشان اشاره کردند که آمار شاخص هزینه دستمزد در سال‌های اخیر (۱۳۷۹ تاکنون) در سه حوزه فوق نشان-دهنده افزایش دو رقمی این ارقام است و بالاترین رشد، مربوط به رشد حقوق و دستمزد در بخش صنعت بوده که متوسط رشد دستمزد در این بخش در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۹ش، حدود ۳۱ درصد بوده است. البته رشد دستمزد و حقوق خدمات ساختمانی نیز ۱۹ درصد بوده که البته بالاتر از نرخ رشد متوسط تورم در همین دوره است. کمترین رشد دستمزد هم به کارکنان دولت اختصاص دارد. با این

او صاف، جهانی و همکارانش یکی از راهکارهای اجرایی سمت عرضه را برای کنترل تورم در بلندمدت، تعیین دستمزد بر اساس کارایی و بهره‌وری معرفی کردند.

۳. حداقل دستمزد در ایران

در ایران طرح آین نامه مربوط به حداقل دستمزد و طبقه‌بندی کارگران برای اولین بار از طرف شورای عالی کار، در سال ۱۳۲۵ ش، توسط هیأت وزیران به تصویب رسید. حداقل دستمزد کارگر ساده طبق آین آین نامه، در تمام نقاط کشور بر اساس هزینه زندگی تعیین شد. به رغم تأثیری که مفاد این آین نامه در ثبات اوضاع کارگری داشت، به علت اوضاع نابسامان اقتصادی، جز در مرکز آبادان و مناطق نفت- خیز در سال ۱۳۳۷ و در چارچوب پیمان‌های خاص دسته‌جمعی، در جای دیگری به مرحله اجرای قطعی نرسید (روند حداقل مزد، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳).

پس از تصویب قانون کار در سال ۱۳۳۷ ش، و تأیید همان اصول، آین نامه‌ای در ۱۳۳۹ ش، به تصویب شورای عالی کار رسید که این آین نامه به اجرا در نیامد و آین نامه مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۱۵ شورای عالی کار جایگزین آن شد (باقری نژادیان فرد، ۱۳۷۷). بر پایه ماده ۲۲ قانون کار، مصوب ۱۳۳۷ ش، حداقل دستمزد می‌بایست هر دو سال یک بار از سوی توسط هیئتی مرکب از نمایندگان دولت، کارفرماها و کارگران پیشنهاد گردد و پس از تأیید وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی کار به اجرا گذارده شود (گزارش راجع به مزد، اداره کل بهره‌وری و مزد، ۱۳۸۱).

شورای عالی کار از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ ش، حداقل دستمزد را بر مبنای صنایع مختلف و نیز مناطق سه‌گانه (منطقه یک، مرکز استان‌ها و مناطق دو و سه شهرهای دورتر) تعیین کرد (روند حداقل مزد، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳). در ۱۳۵۲ نیز مقرر شد که حداقل دستمزد، به جای دو سال یک بار، در هر سال تعیین گردد (ملک محمدی، ۱۳۶۸).

در ادامه پیگیری اهداف تعیین حداقل دستمزد و به استناد ماده ۲۲ قانون کار و تبصره ۵ ماده واحده قانون اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها، شورای عالی کار، ضمن ادغام مناطق یک و دو در تاریخ ۱۳۵۶/۱/۲۷ ش، حداقل دستمزد واحدی را برای کل کشور و حداقل دستمزدهای مختلفی را برای صنایع مختلف تعیین نمود (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۰). از آغاز سال ۱۳۵۸ تقسیم‌بندی بر حسب صنایع نیز حذف و یک حداقل دستمزد کلی اعلام شد. از این سال به بعد (به غیر از سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ ش) حداقل دستمزد هر ساله افزایش یافته است.

همزمان با بررسی وضعیت حداقل دستمزدها در ایران با بررسی شاخص‌های قیمت در ایران نیز درمی‌باییم که با افزایش حداقل دستمزدهای جاری در ایران شاخص‌های قیمت نیز افزایش یافته است. بنابراین، بررسی اثرگذاری تعیین حداقل دستمزدها بر شاخص‌های قیمت از جمله موضوعات مهم اقتصادی، بهویژه در ایران، است.

۳. مدل داده-ستانده انتقال هزینه دستمزد به قیمت

مدلی که در اینجا به کار می‌بریم، در واقع روشی است که در آن بنگاه‌ها در یک بازار رقابت کامل، قیمت‌هایشان را با هزینه متوسط و نهایی برابر می‌کنند. تحت این شرایط، هر افزایشی در هزینه نیروی کار (دستمزد) از طریق تأثیر سهم نیروی کار از هزینه عملیاتی، منجر به افزایش قیمت تولید صنعت می‌شود. بنابراین، در این روش نه تنها انتقال هزینه‌های مستقیم حداقل دستمزد را در یک بخش تحلیل می‌کنیم، بلکه تأثیر هزینه‌های غیر مستقیم را بر بخش‌های مرتبط نیز مورد کنکاش قرار می‌دهیم. از آنجایی که ممکن است هزینه افزایش یافته دستمزدها به صورت کامل به قیمت‌ها منتقل نشود، تخمین ما با عنوان «حد بالای» اثرات قیمتی افزایش حداقل دستمزد تفسیر می‌شود زیرا یکی از فرض‌های مدل داده-ستانده فرض انتقال کامل می‌باشد.

نکه دیگر آنکه در تابع تولید لثونتیف، جانشینی در میان نهاده‌ها وجود ندارد. در اینجا نیز فرض می‌شود که در یک دوره مشخص، با ظرفیت‌های تولید موجود برای هر بخش، همواره یک ترکیب از منابع وجود دارد که بنگاه‌ها به عنوان بهینه در نظر می‌گیرند. بنابراین، هزینه واحد تولید شامل نهاده‌های واسطه‌ای و هزینه ثابت عوامل اولیه مستقیم است. قیمت هر واحد تولید شامل نهاده‌های کالایی است که در تولید به کار رفته است که هر کدامشان بر اساس وزنشان در سtanده کالا مشخص می‌شوند و با قیمت نهاده‌های نیروی کار و سرمایه جمع می‌شوند. در حال تعادل، بهای واحد قیمت تولید بخش Z ام، Pj ، ارزش نهاده‌های واسطه و عوامل اولیه تولید را به صورت زیر مورد بحث قرار می‌دهد:

$$Pq = A' * Pa + R + W \quad (1)$$

که Pq بردار قیمت‌های تولید بخشی (Pj ها)، Pa بردار قیمت‌های نهاده‌ها (Pi ها)، R و W بردار مازاد عملیاتی و جبران خدمات کارکنان (L * Pl)، و A ماتریس ضرایب فنی داده-ستانده است. مازاد عملیاتی، آن بخش از باقیمانده درآمد بعد از پرداخت به نیروی کار است. قیمت‌های نهاده یک مجموعه موزون از قیمت‌های واردات و قیمت‌های تولیدات داخلی است. بنابراین:

$$Pa = b * PM + (I - b) * Pq \quad (2)$$

که PM بردار قیمت‌های واردات (Pm ‌ها) و b ماتریس قطری وزن‌ها، b ، هستند. اگر وزن‌ها، b ، سهم واردات در کل تقاضای داخلی ($m + q - x$) باشد و صرف نظر از نوع تقاضای داخلی ثابت باشند، بنابراین:

$$b = (m + q - x) - 1 * m \quad (3)$$

که m بردار واردات، q بردار تولیدات داخلی، و x بردار صادرات و m ، q و x به ترتیب ماتریس قطری بردارهای m ، q و x می‌باشند. از معادله (۱) با توجه به معادله (۳) داریم:

$$Pq = [I - A' * (I - b)] - 1 (A' * b * PM + R + W) \quad (4)$$

در اینجا Pq بردار قیمت‌های جدید ستانده است. با استفاده از این معادله می‌توانیم قیمت‌های جدید ستانده بخش را محاسبه کنیم. البته با این فرض که غیر از افزایش حداقل دستمزد، در هزینه‌های دیگر هیچ افزایشی صورت نمی‌گیرد. همچنین، قیمت‌های جدید انتظاری ستانده براساس این فرض است که تولید کنندگان می‌توانند هزینه افزایش یافته نهاده در نتیجه افزایش حداقل دستمزد را به قیمت کالاها منتقل کنند:

$$dPq = [I - A' * (I - b) - 1] * (A' b * PM + R + dP * L), dP * L = W \quad (5)$$

که در اینجا dPq قیمت جدید ستانده را در شرایطی نشان می‌دهد که حداقل دستمزد افزایش یابد. عبارات دیگر مانند $(A' * b * PM + R)$ در معادله (۵) بدون تغییر باقی می‌مانند زیرا ما فرض می‌کنیم که در تکنولوژی (A')، قیمت‌های واردات (PM) یا مازاد عملیاتی^۱ (R) هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد. (لی و همکاران، ۲۰۰۰)

۳-۲. اثرات سریز

یکی از مواردی که در این بررسی مورد توجه قرار می‌دهیم اثرات سریز حداقل دستمزد است. اثرات سریز باعث می‌شود که افزایش حداقل دستمزد، طبقات مزدی بالاتر را تحت تأثیر قرار دهد، در نتیجه، کل ساختار دستمزد به سمت بالا حرکت کند.

۱. البته این فرض که تولید کنندگان می‌توانند هزینه افزایش یافته نهاده در نتیجه افزایش حداقل دستمزد را به قیمت کالاها منتقل کنند ضرورتاً درست نمی‌باشد و این مسئله به کشش قیمتی تقاضا و سیاست‌های تجاری کشور (موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای) بستگی دارد.

۲. هر چند در دنیای واقعی با تغییر حداقل دستمزد و افزایش هزینه‌های تولید ممکن است بنگاه مجبور شود سودش را کاهش دهد که در نتیجه آن (درآمدهای اضافی) نیز کاهش می‌باید.

این امر زمانی اتفاق می‌افتد که کارفرمایان دستمزدهای کارگرانی را که قبل‌بیشتر از حداقل دستمزد دریافت می‌کردند افزایش دهند. این موضوع باعث می‌شود توزیع دستمزد بین گروه‌های مزدی پایدار بماند. از آنجایی که این موضوع به تصمیم شخصی بنگاه مربوط است، هیچ‌گونه شواهد تجربی از میزان افزایش دستمزد، به دلیل اثرات سریز وجود ندارد. مطابق مطالعه چینکوک لی و همکارانش، اثر سریز یک درصدی و سه درصدی^۱ را بر طبقات مزدی بالاتر از حداقل دستمزد اعمال می‌کنیم.

۳-۳. استفاده از سناریوهای متفاوت

از آنجا که آمار مربوط به درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد در زیربخش‌های صنعت وجود نداشت، به همین منظور از دو گزارش متفاوت در این زمینه استفاده کردیم. یک مورد مربوط می‌شد به یک نمونه‌گیری که در مهر ماه سال ۱۳۷۹ در وزارت کار انجام گرفته بود. در این نمونه‌گیری ۸۲۷ کارگاه بالای ۵۰ نفر کارکن، در کل کشور مورد بررسی قرار گرفته بود که در نتیجه آن ۱۳/۵ درصد از شاغلین این کارگاه‌ها، حداقل دستمزد دریافت می‌کردند (گزارش راجع به مزد، اداره کل بهره‌وری و مزد، ۱۳۷۹). مورد دوم نیز مربوط می‌شد به اظهار نظر وزیر کار و امور اجتماعی که در اسفند ماه ۱۳۸۷، همزمان با اعلام میزان حداقل دستمزد کارگران عنوان کرد که ۲۸ درصد از کارگران، حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند. این برآورد شاغلین نیز ۱۰ نفر کارکن را نیز شامل می‌شد. بنابراین، به سبب نبود آمار مربوط به زیربخش‌های صنعت از همین برآوردها استفاده کردیم و آن را به تمام زیربخش‌های صنعت تعیین دادیم.

۴-۳. تخمین مدل

برای تخمین مدل ابتدا لازم است واردات زیربخش‌های صنعت به شکل ستونی، یعنی به تفکیک بخش مبدأ، محاسبه گردد. برای این منظور از فرمول زیر برای برآورد مقدار واردات استفاده می‌کنیم:

$$\text{تولید داخلی} + \text{واردات} = \text{مصارف واسطه} + \text{مصارف نهایی}$$

بعد از محاسبه واردات زیربخش‌های صنعت لازم است تا ضریب واردات صنایع نیز تخمین زده شود.

ضریب واردات صنایع نیز با فرمول (۶) به دست می‌آید:

$$b = (m + q - x) - 1 * m \quad (6)$$

۱. همان‌طور که گفته شد منظور از اثرات سریز آن است که با افزایش حداقل دستمزدها کل طبقات مزدی به سمت بالا حرکت کند. در این مطالعه نیز تأثیر افزایش حداقل دستمزد را بر طبقات مزدی بالاتر، یک درصد و سه درصد درنظر گرفتیم.

و با توجه به رابطه (۷)، ضریب تولیدات داخلی ($b - I$) می‌شود.

$$Pa = b * PM + (I - b) * Pq \quad (7)$$

نتیجه کار را در جدول شماره ۱ ضمایم مشاهده می‌کنیم.

۳-۵. تغییرات هزینه دستمزد صنعت ناشی از تغییر حداقل دستمزد

با توجه به آمار دفتر مزد وزارت کار و امور اجتماعی، حداقل دستمزدها در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، طبق جدول زیر بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم حداقل دستمزد روزانه در سال ۱۳۸۰، نسبت به سال ۱۳۷۹، حدود ۲۴ درصد افزایش یافته است:

جدول ۱. حداقل دستمزدهای روزانه

سال	حداقل دستمزد روزانه
۱۳۷۹	۱۵۲۶۷
۱۳۸۰	۱۸۹۳۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

اما نکته‌ای که در اینجا نیاز به توضیح دارد این است که در این مدل، قیمت واحد تولید در همه بخش‌ها یک درنظر گرفته می‌شود (توفيق، ۱۳۷۱) و از آنجایی که اجزاء این مدل سهم نسبی اقلام گوناگون هزینه را در قیمت ستانده نشان می‌دهد، باید آنها را بر تولید کل تقسیم کنیم. یعنی می‌خواهیم بدانیم از یک واحد تولید، اقلام گوناگون هزینه چه سهمی را دارا می‌باشند. به همین منظور سهم جبران خدمات اولیه از ستانده کل را برآورد می‌کنیم. (جدول شماره ۱، ضمایم)

در ادامه برای برآورد میزان تغییر کل هزینه دستمزد صنعت (جبران خدمات کارکنان) در سال ۱۳۷۹ نسبت به سال ۱۳۸۰، (ناشی از تغییر حداقل دستمزد)، باید درصد افزایش دستمزد متوسط سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، سهم مزد و حقوق از جبران خدمات در سال ۱۳۸۰ و درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد را در هم ضرب کنیم. همان‌طور که قبل از نیز گفتم برای درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد دو سناریو در نظر گرفته شده است. یکبار آن را برای تمام زیربخش‌های صنعت ۱۳/۵ درصد^۱ و بار دیگر آن را ۲۸ درصد^۲ درنظر می‌گیریم. نتیجه کار در جدول شماره ۳ ضمایم آمده است.

۱. گزارش مزد اداره کل بهره‌وری و مزد وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۷۹.

۲. به نقل از وزیر کار و امور اجتماعی، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷، ش ۱۷۵۷. شایان ذکر است که مستند این رقم گزارشی تحقیقی است که در وزارت کار انجام شده ولی منتشر نشده است و محققان مجبور شدند به سخنان وزیر کار ارجاع بدهند.

۶-۳. برآورد مدل

برای برآورد مدل از معادلات (۸) و (۹) استفاده می‌کنیم:

$$Pq = [I - A' * (I - b)]^{-1} (A' * b * PM + R + W) \quad (8)$$

$$dPq = [I - A' * (I - b)]^{-1} * (A' * b * PM + R + dP * L), P * L = W \quad (9)$$

در این معادلات به غیر از W که با تغییر حداقل دستمزد تغییر می‌کند، بقیه عوامل را ثابت در نظر می‌گیریم. علت ثابت گرفتن بقیه اجزای معادله‌ها این است که بر طبق مدل، امکان جایگزینی بین عوامل وجود ندارد. به عبارتی فرض می‌کنیم که در کوتاه‌مدت هیچ نوعی از جایگزینی اتفاق نمی‌افتد. همچنین، خریداران می‌توانند بر اثر تغییر قیمت‌های نسبی اقلام، به جایه‌جایی فرآورده‌ها اقدام کنند که این مورد را هم ثابت در نظر می‌گیریم. هر چند، در نظر گرفتن این فرض محدود کننده است.

در ابتدا جهت تخمین مدل، اجزاء آن را از جدول داده- ستانده استخراج کرده و محاسبه می‌کنیم. اما در محاسبه PM نکته‌ای که لازم است توضیح داده شود این است که معمولاً همه قیمت‌ها برای سالی که جدول داده- ستانده تهیه شده است برابر واحد فرض می‌شود. به عبارت دیگر، قیمت‌ها در سال پایه (سال تهیه جدول داده- ستانده) برابر با واحد است.

حال جهت محاسبه قیمت تولیدات زیربخش‌های صنعت، پیش از تغییر جبران خدمات کارکنان، از معادله (۸) استفاده می‌کنیم. همچنین، با تغییر جبران خدمات، قیمت‌های ثانویه طبق معادله (۹) به دست می‌آید. سرانجام، نتیجه محاسبه درصد تغییر قیمت ناشی از افزایش حداقل دستمزد، بدون در نظر گرفتن اثرات سرریز، به صورت جدول شماره ۲ برای سناریوی ۱ و ۲ می‌باشد.

۷-۳. برآورد مدل با درنظر گرفتن اثرات سرریز

یکی از مواردی که در این بررسی مورد توجه قرار می‌دهیم اثرات سرریز حداقل دستمزد است. برای احتساب این اثر بدین ترتیب عمل می‌کنیم. ابتدا سهم مزد و حقوق از جبران خدمات را در درصد شاغلین بالاتر از حداقل دستمزد - که در سناریوی یک ۸۶/۵ درصد و در سناریوی دو ۷۷ درصد می‌باشد، و در ضریب اثرات سرریز ضرب می‌کنیم.

در ادامه درصد افزایش جبران خدمات ناشی از افزایش حداقل دستمزد و درصد افزایش جبران خدمات ناشی از اثرات سرریز را با هم جمع می‌کنیم. آنچه به دست می‌آید درصد افزایش جبران خدمات ناشی از افزایش حداقل دستمزد با احتساب اثرات سرریز است. سرانجام، به شیوه قبلی، سهم آن را از ستانده کل محاسبه و درصد افزایش قیمت‌ها را برآورد می- کنیم. محاسبات در جدول شماره ۳ برای سناریوی ۱ و ۲ ارائه شده است.

۴. جمع‌بندی

همان‌طور که دیده شد تخمین را با دو سناریو و سه روش مختلف انجام دادیم. با توجه به افزایش ۲۴ درصدی در حداقل دستمزدها نتایجی به صورت زیر استخراج می‌شود:

۱-۱. سناریوی اول

در سناریوی اول زمانی که تخمین را بدون اثرات سرریز انجام می‌دهیم، به غیر از دو بخش «سایر فلزات» و «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» بقیه بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. این امر بدان دلیل است که به رغم افزایش مزد و حقوق، در این دو بخش، دستمزد متوسط کاهش یافته و همین باعث کاهش کل هزینه دستمزد صنعت گردیده است. علت کاهش دستمزد متوسط هم به این سبب است که هم‌مان با افزایش دستمزد، استغال هم افزایش یافته اما نسبت افزایش مزد و حقوق به اندازه اشتغال نیست. (نک: جداول ۲ و ۳، ضمایم)

در این برآورد، افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۶۱٪ درصد است. که به طور متوسط افزایش ۲۱٪ درصدی را در بخش صنعت نشان می‌دهد. بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «مبلمان» است. در شرایطی که اثرات سرریز را هم در تخمین وارد کنیم، تمام بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد افزایش قیمت‌ها در محدوده ۰/۷۲-۰/۰۶ و با اثر سرریز سه درصد، در محدوده ۰/۹۳-۰/۰۸ درصد قرار می‌گیرد و متوسط افزایش قیمت‌ها هم در مورد اول، در حدود ۰/۲۸ درصد، و در مورد دوم، در حدود ۰/۴۳ درصد، تعیین می‌شود. در هر دو مورد ذکر شده بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «مبلمان» است، اما کمترین افزایش در اثر سرریز یک درصد، در بخش‌های «فرآورده‌های نفتی» و «سایر فلزات» اتفاق افتد است در حالی که در اثر سرریز سه درصد، کمترین میزان افزایش تنها در بخش «فرآورده‌های نفتی» روی داده است. علت این موضوع آن است که زیربخش «سایر فلزات» دارای ضرایب بزرگ‌تری نسبت به «فرآورده‌های نفتی» هستند؛ به عنوان مثال سهم مزد و حقوق از جبران خدمات و سهم جبران خدمات از ستانده کل در «سایر فلزات» بیشتر از «فرآورده‌های نفتی» است. در نتیجه، با افزایش اثرات سرریز، درصد افزایش قیمت‌ها در «سایر فلزات» با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد.

۱۷ تأثیر حداقل دستمزد بر قیمت کالاهای و خدمات در ...

جدول ۲. درصد افزایش قیمت‌ها (بدون اثرات سرریز) در سناریوی ۱ (با پوشش کارکنان حداقل دستمزد ۱۳/۵ درصد) و در سناریوی ۲ (با پوشش کارکنان حداقل دستمزد ۲۸ درصد)

ردیف	عنوان محصولات	درصد افزایش قیمت- ها (در سناریوی ۱)	درصد افزایش قیمت- ها (در سناریوی ۲)
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	0.46	0.22
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	0.14	0.07
۳	محصولات از توتون و تنبکو	0.42	0.2
۴	منسوجات	0.68	0.33
۵	انواع پوشاشک	0.54	0.26
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	0.78	0.38
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حضریافی	0.44	0.21
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و ...	0.5	0.24
۹	فرآورده‌های نفتی	0.1	0.05
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	0.09	0.04
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	0.52	0.25
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	0.34	0.17
۱۳	سایر محصولات کانی	0.61	0.3
۱۴	مبلمان	1.26	0.61
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	0.39	0.19
۱۶	سایر فلزات	0.01	0
۱۷	محصولات فلزی	0.34	0.17
۱۸	ماشین آلات با کاربرد عام	0.5	0.24
۱۹	ماشین آلات با کاربرد خاص	0.39	0.19
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	0.38	0.18
۲۱	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	0.07	0.04
۲۲	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	0.63	0.3
۲۳	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	0.55	0.26
۲۴	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتودنسی	0.75	0.36
۲۵	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مجی و انواع دیگر ساعت	·	·
۲۶	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و ...	0.07	0.03
۲۷	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	0.7	0.34
۲۸	جوهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	0.3	0.15

مأخذ: محاسبات تحقیق

۱۸ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۷۴

جدول ۳. درصد افزایش قیمت‌ها با احتساب اثرات سربریز در سناریوی ۱ و ۲

سناریوی ۲				سناریوی ۱				عنوان محصولات
افزایش	افزایش	افزایش قیمت-	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش قیمت-	افزایش	
قیمت‌های با	قیمت‌های با	های اثرات	قیمت‌های با	های اثرات	قیمت‌های با	های اثرات	قیمت‌های با	۱۹۰٪
اثرات سربریز	اثرات	سربریز سه	اثرات سربریز	اثرات سربریز	اثرات سربریز	اثرات سربریز	اثرات سربریز	۱۹۰٪
سه درصد	سربزیک	درصد	دک درصد	دک درصد	دک درصد	دک درصد	دک درصد	۱۹۰٪
درصد								
0.57	0.49	0.35	0.26	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۱			
0.2	0.16	0.14	0.09	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۲			
0.73	0.52	0.57	0.32	محصولات از توتون و تنباکو	۳			
0.94	0.77	0.64	0.43	منسوجات	۴			
0.82	0.63	0.59	0.37	انواع پوشاش	۵			
1.05	0.87	0.7	0.49	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۶			
0.64	0.51	0.46	0.29	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنهان، نی و مواد	۷			
				حصیر بافی				
0.73	0.58	0.52	0.33	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و...	۸			
0.13	0.11	0.08	0.06	فرآورده‌های نفتی	۹			
0.2	0.12	0.17	0.09	مواد و محصولات شیمیایی	۱۰			
0.72	0.59	0.5	0.33	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۱			
0.56	0.42	0.43	0.25	شیشه و محصولات شیشه‌ای	۱۲			
0.84	0.69	0.57	0.39	سایر محصولات کانی	۱۳			
1.53	1.35	0.93	0.72	مبلمان	۱۴			
0.5	0.42	0.32	0.23	آهن، فولاد و محصولات آن	۱۵			
0.16	0.06	0.18	0.06	سایر فلزات	۱۶			
0.51	0.4	0.36	0.23	محصولات فلزی	۱۷			
0.77	0.59	0.57	0.35	ماشین آلات با کاربرد عام	۱۸			
0.51	0.43	0.33	0.23	ماشین آلات با کاربرد خاص	۱۹			
0.55	0.43	0.39	0.25	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۰			
0.22	0.12	0.21	0.09	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۲۱			
0.84	0.7	0.56	0.39	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲			
0.68	0.59	0.42	0.32	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و	۲۳			
				مخابرات				
1.04	0.85	0.72	0.48	تجهیزات پزشکی و جراحی و سایر ارتودپدی	۲۴			
0.21	0.04	0.28	0.08	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر	۲۵			
				ساعت				
0.16	0.1	0.14	0.07	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و...	۲۶			
0.92	0.78	0.6	0.42	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷			
0.4	0.33	0.26	0.18	جوهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی شده در جای دیگر	۲۸			

مأخذ: محاسبات تحقیق

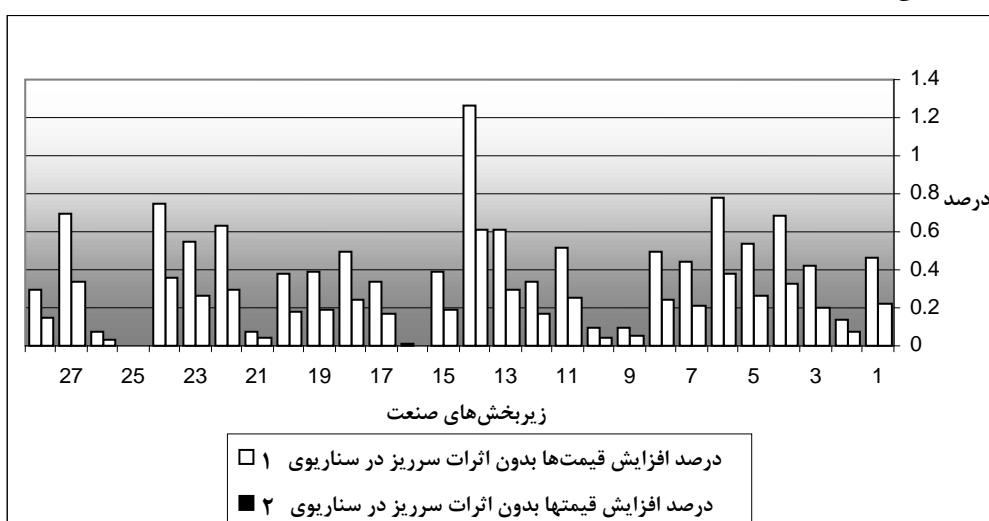
۲-۴. سناریوی دوم

در سناریوی دوم زمانی که تخمین را بدون اثرات سرریز انجام می‌دهیم، به جز «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت»، بقیه بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. این مورد هم مشابه سناریوی اول بدان دلیل است که به رغم افزایش مزد و حقوق، در این بخش، دستمزد متوسط کاهش یافته و همین باعث کاهش کل هزینه دستمزد صنعت گردیده است.

در این برآورد، افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۱/۲۶ درصد است که به طور متوسط، افزایش ۰/۴۲ درصدی را در همه بخش‌های صنعت، در شرایطی که اثرات سرریز را هم در نظر بگیریم، نشان می‌دهد. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد، قیمت‌ها بین ۰/۰۴ (مربوط به ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت) و ۱/۳۵ درصد (مربوط به مبلمان) و با اثر سرریز سه درصد، بین ۰/۱۳ (مربوط به فرآوردهای نفتی) و ۱/۵۳ درصد (مربوط به مبلمان) قرار می‌گیرد. متوسط افزایش قیمت‌ها هم در مورد اول در حدود ۰/۴۹ درصد و در مورد دوم در حدود ۰/۶۱ درصد تعیین می‌شود.

۴-۳. مقایسه سناریوی اول و دوم

یکی از مواردی که باعث می‌شود افزایش حداقل دستمزدها تأثیر بیشتری بر قیمت‌ها بگذارد این است که هم‌زمان با افزایش حداقل دستمزدها، شاغلان حداقل دستمزد نیز افزایش یابند. میزان تأثیر این عامل را می‌توانیم با مقایسه سناریوی اول و دوم مشاهده کنیم. جهت ارزیابی این عامل از نمودار شماره ۱ استفاده می‌کنیم. در این نمودار، افزایش قیمت‌ها بدون اثرات سرریز (که فقط شامل شاغلین حداقل دستمزد می‌شود) مقایسه شده‌اند.



نمودار ۱. مقایسه افزایش قیمت‌ها در سناریوی ۱ و ۲

۴-۴. مقایسه نتایج با شاخص‌های قیمت

به منظور مقایسه نتایج با شاخص‌های قیمت تولیدکننده و نرخ تغییر، شاخص‌های قیمت تولیدکننده را از سایت بانک مرکزی استخراج کرده‌ایم. جدول شماره ۴ آمار موردنظر را نشان می‌دهد. نرخ تغییر شاخص کل تولیدکننده از سال ۱۳۷۹ به ۱۳۸۰ حدود ۱۰/۹۱ درصد برآورد شده است. در صورتی که متوسط برآورد انجام‌شده را به کل اقتصاد ایران تعمیم دهیم، متوجه می‌شویم که تغییرات قیمت محاسبه شده کمتر از نرخ شاخص تولیدکننده در سال ۱۳۸۰ است. این موضوع نشان می‌دهد که همه افزایش شاخص‌های قیمت به افزایش هزینه نیروی کار مربوط نمی‌شود. برای سایر برآوردها و شاخص‌ها نیز همین نتیجه به دست می‌آید.

جدول ۴. شاخص‌های قیمت تولیدکننده

شاخص‌های قیمت شاخص‌های واقعی بانک مرکزی	شاخص‌های قیمت شاخص بهای تولیدکننده	شاخص‌های قیمت گروه‌های اختصاصی (بدون واحد)	محصولات صنعتی مواد معدنی، محصولات صنعتی و تأمین برق و گاز و آب (بدون واحد)
گروه سال	شاخص کل	درصد افزایش شاخص	
1379	169.6	169	168.5
1380	188.1	178	177.3
درصد افزایش شاخص	10.90801887	5.325443787	5.222551929

مأخذ: سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۵. عوامل تأثیرگذار بر افزایش قیمت

عوامل مختلفی باعث افزایش قیمت‌ها در صنایع مختلف می‌شود که در زیر به آنها اشاره می‌گردد:

۱-۵. عوامل تغییر خدمات کارکنان

موارد زیر باعث تغییر جبران خدمات کارکنان و در نتیجه تغییر قیمت‌ها می‌شود:

الف) میزان افزایش دستمزد متوسط

تغییر اشتغال، همزمان با افزایش هزینه مزد و حقوق، میزان افزایش دستمزد متوسط را تعیین می‌کند.

هر چه افزایش دستمزد متوسط بیشتر باشد افزایش قیمت نیز بیشتر است. این موضوع را در شرایط بدون سرریز در دو سناریوی ۱ و ۲ با هم مقایسه می‌کنیم.

در زیربخش‌های «مبیمان» (شماره ۱۴)، «روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی» (شماره ۱) و

«تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات» (شماره ۲۳)، میزان افزایش دستمزد

متوسط بیشتر از بخش‌های دیگر است. در نتیجه، شاهد افزایش زیاد قیمت‌ها در این زیربخش‌ها هستیم. همچنین، در صنایع «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» (شماره ۲۵)، «سایر فلزات» (شماره ۱۶) و «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها» (شماره ۲۶)، به رغم افزایش هزینه مزد و حقوق، شاهد کاهش دستمزد متوسط هستیم که همین امر باعث شده تا تورم پایینی را در این صنایع داشته باشیم.

ب) سهم مزد و حقوق از جبران خدمات کارکنان

هر چه سهم مزد و حقوق از جبران خدمات بیشتر باشد - چون افزایش دستمزد متوسط تأثیر بیشتری در افزایش جبران خدمات دارد - در نتیجه، افزایش قیمت نیز بیشتر می‌شود.

زیربخش‌های «انواع پوشاك» (شماره ۵) و «انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی» (شماره ۶) سهم بالایی از جبران خدمات را به مزد و حقوق اختصاص داده‌اند. در نتیجه، تورم بالایی هم دارند. اما زیربخش‌های «ماشین‌آلات با کاربرد خاص» (شماره ۱۹) و «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها» (شماره ۲۶) تورم نسبتاً پایینی دارند که می‌تواند ناشی از سهم پایین مزد و حقوق از جبران خدمات باشد. (نک: جدول شماره ۳، ضمایم)

ج) درصد شاغلین حداقل دستمزد

از مقایسه سناریوی ۱ و ۲ می‌توانیم تأثیر افزایش درصد شاغلین حداقل دستمزد را ارزیابی کنیم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود با افزایش سهم شاغلین حداقل دستمزد قیمت کالاهای و خدمات هم افزایش بیشتری داشته است.

۲-۵. سهم جبران خدمات کارکنان از ستانده کل

هر چه سهم هزینه دستمزد صنعت از کل هزینه‌های تولید بیشتر باشد با افزایش جبران خدمات کارکنان، قیمت کالاهای و خدمات افزایش بیشتری پیدا می‌کند. به عنوان نمونه زیربخش‌های «منسوجات» (شماره ۴) و تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتودنسی (شماره ۲۴) دارای سهم هزینه دستمزد بالا و تورم بالایی هستند و، از طرف دیگر، «هزینه سایر محصولات غذایی و آشامیدنی» (شماره ۲) و «فرآورده‌های نفتی» (شماره ۹) کمتر و سهم و تورم آنها نیز پایین‌تر است (نک: جدول شماره ۱، ضمایم).

نتیجه بررسی فوق نشان می‌دهد که تقریباً هر چه سهم جبران خدمات از تولید بیشتر باشد افزایش قیمت نیز بیشتر می‌شود که این موضوع نشان‌دهنده کاربر بودن صنعت مورد نظر است.

۳-۵ مقایسه افزایش قیمت‌ها در سناریوی اول و دوم

با مقایسه افزایش قیمت‌ها در تخمین‌های انجام شده نتایج زیر حاصل می‌شود:

- «سایر محصولات غذایی و آشامیدنی»، «فرآورده‌های نفتی»، «مواد و محصولات شیمیایی»، «سایر فلزات»، «ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی»، «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت»، «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها،...» و «جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه‌بندی نشده در جای دیگر»، در تمام تخمین‌های انجام شده دارای تورم پایینی نسبت به سایر زیربخش‌ها هستند.
- «مواد و محصولات شیمیایی»، «سایر فلزات»، «ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی»، «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» و «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها،...» دارای کمترین افزایش دستمزد متوسط هستند.
- «سایر محصولات غذایی و آشامیدنی»، «فرآورده‌های نفتی» و «جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» کمترین سهم جبران خدمات را از ستانده کل دارند. البته «فرآورده‌های نفتی» کمترین سهم مزد را هم داشته‌اند.
- «انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی»، «مبلمان»، «تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتопدی»، در تمام تخمین‌های انجام شده دارای تورم بالایی نسبت به سایر زیربخش‌ها هستند.
- «انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی»، «مبلمان»، «تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتопدی»، دارای سهم مزد و سهم جبران خدمات بالایی می‌باشند. همچنین، افزایش دستمزد متوسط آنها، به ویژه در بخش «مبلمان» بسیار بوده است.

۴-۵ مقایسه تخمین انجام شده با مطالعات دیگر

- در این قسمت تخمین انجام شده را با برآورد داده- ستانده کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم. در ابتدا برآوردهای دیگر را فهرست وار ارائه می‌کنیم:
- ول夫 و ندیری (۱۹۸۱) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثرات جانشینی، بدون اثر استخدامی و بدون اثرات سرریز، برآورد کردند که در ایالات متحده، در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۹، افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌ها را در حدود $0.4 / 0.3$ درصد افزایش داده است.
- چینکوک لی و براین اورووارک (۱۹۹۹) و چینکوک لی، جرالد شلاتر و براین اورووارک (۲۰۰۰) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثر جانشینی، بدون اثر استخدامی و بدون اثرات سرریز،

برآورد کردند که ۱۰ درصد افزایش در حداقل دستمزد در آمریکا، در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷، قیمت‌ها را در بخش‌های صرف غذا و نوشیدنی - صنایعی که تعداد کارگران حداقل دستمزد بالای دارند - در حدود ۰/۷۴ درصد افزایش می‌دهد. آنها مدلشان را با در نظر گرفتن درجات متفاوتی از اثرات سرریز مجدداً تخمین زدند و دریافتند که با اثرات سرریز بزرگ‌تر، اثرات قیمتی بیشتر می‌شود، [حتی] بالای ۱/۵ درصد.

- اوپراین - استرین و مک کوردی (۲۰۰۰) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثر جانشینی، بدون اثر استخدامی و بدون اثرات سرریز برآورد کردند که در کالیفرنیا، در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰، افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های کالا را در حدود ۰/۳ تا ۰/۱۶ درصد افزایش می‌دهد.

- مک کوردی و مک اینتایر (۲۰۰۱) برآورد کردند که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد در آمریکا، در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷، قیمت‌های سراسری را در حدود ۰/۲۵ درصد و قیمت‌های غذایی که در بیرون (درون) خانه مصرف می‌شوند در حدود ۱/۲ درصد (۰/۸ درصد) افزایش می‌دهد.

- آرنسون در طول سه ماه بعد از یک افزایش دستمزد فهمید که ۱۰ درصد افزایش در حداقل دستمزد باعث ۰/۴ الی ۰/۷ درصد افزایش در قیمت‌های رستوران‌ها می‌شود که در ماه اول افزایش دستمزد، افزایش بیشتری اتفاق می‌افتد. همچنین، به این نتیجه رسید که در بخش غذای آماده، در عکس العمل به ۱۰ درصد افزایش حداقل دستمزد، قیمت‌ها ۱/۵ درصد افزایش می‌یابد. این بررسی در کانادا و آمریکا، در دوره زمانی ۱۹۷۸-۱۹۹۵ صورت گرفت. (آرنسون، ۲۰۰۶)

مقایسه مدل مربوط به ایران با برآوردهای بالا نشان می‌دهد با توجه به اینکه در ایران متوسط افزایش قیمت‌ها در تخمین‌های انجام شده (با در نظر گرفتن اثرات سرریز و بدون آن) بین ۰/۲ تا ۰/۶ درصد است، نتایج به دست آمده به مطالعات بالا نزدیک است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در مطالعات انجام گرفته بدون اثرات سرریز، افزایش قیمت‌ها کمتر از یک درصد بوده و این مورد در ایران هم اتفاق افتاده است. همچنین زمانی که اثرات سرریز را در محاسبات وارد می‌کنیم، افزایش قیمت‌ها، در برخی از موارد، به بالای یک درصد می‌رسد.

۶. نتیجه‌گیری

الف) در سناریوی اول - زمانی که درصد شاغلان حداقل دستمزد را ۱۳/۵ درصد درنظر می-گیریم - افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۰/۶۱ درصد است که، به‌طور متوسط، افزایش ۰/۲۱ درصدی را در بخش صنعت نشان می‌دهد. بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «ملمان» بوده است.

وقتی که اثرات سرریز را هم در تخمین وارد کنیم، تمام بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد افزایش، قیمت‌ها در محدوده $0.06 - 0.072$ و با اثر سرریز سه درصد، در محدوده $0.08 - 0.093$ درصد افزایش قرار می‌گیرند.

ب) در سناریوی دوم - زمانی که درصد شاغلین حداقل دستمزد را 28 درصد درنظر می‌گیریم - افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی $1/26$ درصد است که، به طور متوسط، افزایش 0.042 درصدی را در بخش صنعت نشان می‌دهد. در شرایطی که اثرات سرریز را هم در نظر بگیریم، در تمام بخش‌ها قیمت‌ها افزایش می‌یابند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد، قیمت‌ها در محدوده $0.04 - 0.035$ درصد، و با اثر سرریز سه درصد در محدوده $0.053 - 0.13$ درصد قرار می‌گیرند.

ج) مقایسه مدل مربوط به ایران با برآوردهای سایر کشورها نشان می‌دهد با توجه به اینکه در ایران متوسط افزایش قیمت‌ها در تخمین‌های انجام شده (با در نظر گرفتن اثرات سرریز و بدون آن) بین 0.02 تا 0.06 درصد است، نتایج به دست آمده به مطالعات سایر کشورها نزدیک است. همان‌طور که مشاهده شد در تمام مطالعات انجام گرفته بدون اثرات سرریز، افزایش قیمت‌ها کمتر از یک درصد است که این مورد در ایران هم اتفاق افتاده است. همچنین زمانی که اثرات سرریز را در محاسبات وارد می‌کنیم، افزایش قیمت‌ها در برخی از موارد به بالای یک درصد می‌رسد.

د) تحت فرض محدود کننده مدل داده - ستانده، افزایش حداقل دستمزد تأثیر چشمگیری بر قیمت‌ها ندارد و بیشتر باید به اثرات اشتغالی آن توجه کرد.

۷. پیشنهادات

با توجه به مشکلاتی که کشورمان همه ساله در تعیین حداقل دستمزد با آن مواجه است مواردی به صورت زیر پیشنهاد می‌گردد:

الف) به منظور بهتر محقق شدن اهداف اصلی حداقل دستمزد و کم شدن اثرات منفی آن به نظر می‌رسد وجود سیاست‌های مکمل حداقل دستمزد ضروری است تا در نتیجه آن سطح زندگی کارگران کم‌درآمد و خانواده‌های آنان بهبود یابد.

ب) چند نرخ حداقل دستمزد برای مناطق مختلف در نظر گرفته شود تا دستمزدها با توجه به هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف تعیین گردد. البته نباید افزایش در حدی باشد که باعث مهاجرت نیروی کار شود. یعنی باید تفاوت حداقل دستمزد مناطق به گونه‌ای نباشد که به مهاجرت به کلان‌شهرها

منجر شود، زیرا در کلان شهرها معمولاً هزینه زندگی بالاتر است و اگر حداقل دستمزد بالاتر تعیین شود ممکن است فرآیند مهاجرت به شهرهای بزرگ را تشدید کند.

ج) استفاده از تجارب سایر کشورها در این زمینه می‌تواند مفید باشد. بنابراین، لازم است تا روش‌های مختلف تعیین حداقل دستمزد در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد تا بتوان راههای بهتری با اثرات منفی کمتر، یافت.

د) نتایج این مطالعه باید با اختیاط تفسیر شود زیرا فروض محدود کننده‌ای در محاسبات و برآوردها در نظر گرفته شده است و توصیه نمی‌شود در مباحث سیاست‌گذاری از آن استفاده شود.

جدول ۵. ضریب واردات، ضریب تولیدات داخلی و سهم جبران خدمات اولیه از ستانده کل

عنوان محصولات	ضریب تولیدات	ضریب واردات	جهان خدمات اولیه/ستانده کل
	(I - b)	(b)	
روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۰,۳۲۹۰	۰,۶۷۱۰	۰,۰۵۴۲۶۶۹۶
سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۰,۰۶۸۹	۰,۹۳۱۱	۰,۰۴۶۴۴۶۰۴۵
محصولات از توتون و تباکو	۰,۶۱۳۵	۰,۳۸۶۵	۰,۲۶۵۵۰۵۶۲۹
منسوجات	۰,۱۵۲۲	۰,۸۴۷۸	۰,۱۶۱۳۶۳۱۰
انواع پوشاك	۰,۶۸۲۰	۰,۳۱۸۰	۰,۱۱۶۰۳۱۴۲۹
انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۰,۶۱۷۲	۰,۳۸۲۸	۰,۱۵۱۷۴۲۹۸۲
محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و حصیر	۰,۱۶۰۶	۰,۸۳۹۴	۰,۱۲۹۲۵۲۷۶۷
خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مریبوط	۰,۳۹۸۲	۰,۶۰۱۷	۰,۱۴۸۵۸۰۳۴۳
فرآوردهای نفتی	۰,۱۰۴۷	۰,۸۹۵۲	۰,۰۳۷۹۴۱۳۶۹
مواد و محصولات شیمیایی	۰,۳۸۷۲	۰,۶۱۲۸	۰,۰۷۷۳۰۶۲۴۷
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰,۲۲۶۸	۰,۷۷۳۱	۰,۱۲۲۹۷۶۰۴۲
شیشه و محصولات شیشه‌ای	۰,۲۶۳۷	۰,۷۳۶۲	۰,۱۵۵۴۴۵۰۷۱
سایر محصولات کانی	۰,۰۴۷۱	۰,۹۵۲۹	۰,۱۵۹۱۴۱۲۱۷
بلمان	۰,۰۰۶۸	۰,۹۹۳۱	۰,۱۵۹۷۰۹۱۳۷
آهن، فولاد و محصولات آن	۰,۲۸۴۵	۰,۷۱۵۴	۰,۰۸۵۳۷۴۶۸۴
سایر فلزات	۰,۱۹۸۷	۰,۸۰۱۳	۰,۱۰۲۰۱۱۹
محصولات فلزی	۰,۱۸۱۰	۰,۸۱۸۹	۰,۰۹۹۰۸۹۰۹۶
ماشین آلات با کاربرد عام	۰,۷۶۹۵	۰,۲۳۰۵	۰,۱۷۴۷۳۲۱۹
ماشین آلات با کاربرد خاص	۰,۶۰۵۳	۰,۳۹۴۶	۰,۰۷۹۲۲۹۷۳
وسایل خانگی و قطعات مریبوط	۰,۰۷۱۹	۰,۹۲۸۱	۰,۱۰۹۳۶۱۴۴
ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰,۷۷۰۹	۰,۲۲۹۱	۰,۰۷۹۲۷۵

۷۶ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره

۰,۱۱۶۵۱۷۹۰۹	۰,۶۲۶۴	۰,۳۷۳۶	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۰,۰۷۹۸۸۹۹۶۵	۰,۳۴۱۴	۰,۶۵۸۵	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۰,۱۵۷۴۵۵۴۰۲	۰,۳۷۶۰	۰,۶۲۳۹	تجهیزات پزشکی و جراحی و سائل ارتودپیدی	۲۴
۰,۱۵۴۴۸۷۶۳۷	۰,۱۴۷۹	۰,۸۵۲۰	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۵
۰,۰۵۳۳۷۵۵۷۵	۰,۸۰۲۲	۰,۱۹۷۷	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۲۶
۰,۱۳۲۷۱۷۵۷۱	۰,۴۴۴۵	۰,۵۵۵۴	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۰,۰۳۱۸۷۸۳۲۷	۰,۷۳۴۶	۰,۲۶۵۳	جوهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۶. تعداد شاغلان و میزان مزد و حقوق کارکنان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰

عنوان محصولات	تعداد	سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۸۰	
		مزد و حقوق (میلیون ریال)	تعداد شاغلان	مزد و حقوق (میلیون ریال)	تعداد شاغلان
روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۱۱۰۱۹	۱۱۷۰۸۰	۱۰۹۷۹	۱۵۶۰۶	۱
سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۱۱۷۰۳۰	۱۰۷۵۰۸۹	۱۱۶۴۱	۱۲۴۶۹۶۹	۲
محصولات از توتون و تباکو	۷۱۶۰	۹۳۷۸۲	۹۶۱۴	۱۳۸۹۰۵	۳
منسوجات	۱۴۱۸۱۸	۱۱۸۷۵۲۳	۱۳۴۰۶۱	۱۳۶۴۰۷۱	۴
انواع پوشاشک	۴۸۱۸	۳۶۹۶۸	۴۹۹۰	۴۳۲۲۵	۵
انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۱۳۰۵۲	۱۰۵۳۸۸	۱۲۷۳۰	۱۲۶۵۹۴	۶
محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیر بافی	۸۶۷۲	۷۳۸۲۰	۸۸۵۹	۸۷۸۷۵	۷
خییر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۲۴۸۲۴	۲۳۹۴۵۱	۲۵۵۲۰	۲۸۷۷۷۴	۸
فرآورده‌های نفتی	۱۶۶۹۵	۲۰۰۲۷۳	۱۷۲۱۴	۲۶۳۰۰۶	۹
مواد و محصولات شیمیایی	۶۳۹۴۹	۸۷۷۷۷	۶۵۹۲۵	۹۴۶۰۹۶	۱۰
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۳۵۴۶۹	۳۵۹۱۵۷	۳۵۸۹۳	۴۴۰۸۷۳	۱۱
شیشه و محصولات شیشه‌ای	۱۲۴۸۱	۱۱۷۰۳۸	۱۲۵۵۱	۱۳۱۶۲۹	۱۲
سایر محصولات کائی	۱۱۱۴۱۱	۱۰۸۰۳۷۵	۱۱۲۲۶۵	۱۳۱۶۹۳۴	۱۳
بلمان	۶۳۵۱	۵۲۴۲۷	۷۱۹۷	۸۲۶۱۹	۱۴
آهن، فولاد و محصولات آن	۴۴۳۲۹	۵۷۰۵۸۲	۴۲۲۳۰	۷۰۰۵۲۰۱	۱۵
سایر فلزات	۲۶۲۶۶	۴۱۴۹۲۲	۲۸۲۲۹	۴۴۴۹۹۱	۱۶
محصولات فلزی	۴۹۶۸۳	۴۹۹۶۹۹۲	۴۸۸۸۲	۵۶۸۵۵۱	۱۷
ماشین آلات با کاربرد عام	۲۸۱۲۹	۲۹۰۵۴۶	۲۹۶۲۸	۳۴۸۲۳۸	۱۸
ماشین آلات با کاربرد خاص	۲۲۸۳۱	۲۲۹۴۸۳	۲۲۳۵۱	۲۸۱۶۲۱	۱۹
وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۱۴۱۲	۲۱۸۶۹۸	۲۱۴۳۷	۲۵۵۰۱۹	۲۰

۲۷ تأثیر حداقل دستمزد بر قیمت کالاها و خدمات در ...

۱۷۶۱۰	۱۵۴۵	۱۷۴۱۷	۱۵۷۸	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۲۱
۵۱۲۴۴۱	۳۶۷۹۲	۳۷۲۶۵۲	۳۳۷۶۵	ماشین آلات و دستگاههای الکتریکی	۲۲
۱۲۷۷۳۱	۱۰۱۱۲	۹۵۵۶۱	۱۰۰۹۴	تجهیزات و دستگاههای مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۶۷۶۲۷	۶۵۹۷	۴۴۷۲۴	۵۲۳۷	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتودنسی	۲۴
۴۸۲۷۴	۴۴۴۳	۴۷۱۹۱	۴۱۹۳	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعتهای مچی و اتواع دیگر ساعت	۲۵
۸۸۳۵۸۶	۶۷۴۱۶	۷۷۹۴۱۴	۵۹۴۴۳	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحافی آنها	۲۶
۱۹۹۱۰۰	۱۶۳۱۰	۱۱۸۹۶۸	۱۲۴۸۰	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۳۲۹۹۲	۳۰۶۱	۲۶۵۰۰	۳۲۳۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۷. درصد افزایش جبران خدمات کارکنان در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹

عنوان محصولات	درصد افزایش	سهم مزد و حقوق از جبران	درصد افزایش جبران خدمات کارکنان	درصد افزایش جبران خدمات کارکنان (سناریوی ۱)	درصد افزایش جبران خدمات کارکنان (سناریوی ۲)
روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۱	۳۳,۷۷۹۱۰۵۲	۶۲,۸۸۴۰۵۹۷۸	۲,۸۶۷۶۲۵۸۱۶	۵,۹۴۷۶۶۸
سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۲	۱۵,۷۳۸۷۵۶	۵۶,۲۳۴۸۱۰۸	۱,۹۹۴۸۳۹۰۳۹	۲,۴۷۸۱۸۵
محصولات از توتون و تباکو	۳	۱۰,۳۰۸۰۷۱۷۸	۵۳,۱۴۱۱۰۳۸۷	۰,۷۳۹۵۰۶۱۲۲	۱,۵۳۳۷۹
منسوجات	۴	۲۱,۵۱۳۳۰۹۱۲	۵۹,۷۸۰۷۴۲۳۱	۱,۷۳۶۲۱۰۱۴۴	۳,۶۰۱۰۲۸
انواع پوشاشک	۵	۱۲,۸۹۵۱۵۳	۷۰,۳۶۲۳۵۱۸۷	۱,۲۲۴۸۹۹۹۴۵	۲,۵۴۰۵۳۳
انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات	۶	۲۳,۱۶۰۲۶۶۸۵	۶۸,۱۸۵۹۳۱۲۷	۲,۱۳۱۹۲۵۸۹۱	۴,۴۲۱۷۷۲
حرمی					
محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیر بافی	۷	۱۶,۵۲۶۸۱۱۹۲	۵۲,۶۲۲۵۹۶۴۳	۱,۱۷۴۰۷۳۰۶۸	۲,۴۳۵۱۱۵
خیری کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۸	۱۶,۹۰۳۰۹۰۰۶	۵۳,۳۱۵۹۶۷۳۳	۱,۲۱۶۶۲۶۲۰۷	۲,۵۲۳۳۷۳
فرآورده‌های نفتی	۹	۲۷,۳۶۴۳۴۸۲۶	۳۱,۸۰۹۳۰۳۳۴	۱,۱۷۵۰۹۵۱۵۴	۲,۴۳۷۲۲۴
مواد و محصولات شیمیائی	۱۰	۴,۰۵۲۵۴۹۷۷۷	۵۱,۳۲۹۱۶۰۱۴	۰,۳۱۵۴۶۶۰۴۸	۰,۶۵۴۳
محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱۱	۲۱,۳۰۲۱۰۹۲۴	۶۰,۰۲۰۹۳۸۵	۱,۷۲۶۰۷۲۹۹۵	۳,۵۸۰۰۰۳
شیشه و محصولات شیشه‌ای	۱۲	۱۱,۸۳۹۶۳۵۷۱	۵۴,۸۰۱۱۱۹۱	۰,۸۷۵۹۱۴۱۳۷	۱,۸۱۶۷۱۱
سایر محصولات کائی	۱۳	۲۰,۹۶۸۷۴۵۲۴	۶۰,۳۵۶۷۹۶۶۷	۱,۷۰۸۰۸۴۹۵	۳,۵۴۳۶۹۸
مبلمان	۱۴	۳۹,۰۶۴۲۶۲۵۵	۶۶,۴۳۱۶۰۹۶۷	۳,۰۵۰۳۸۷۴۸۶	۷,۲۶۶۲۸۵
آهن، فولاد و محصولات آن	۱۵	۲۹,۵۱۲۴۷۹۹۷	۴۳,۹۰۱۰۷۷۰۴	۱,۷۴۹۱۰۰۳۷	۳,۶۲۷۷۶۳

۷۶ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۲۸

-۰,۰۳۹۵۲	-۰,۹۱۹,۰۵۲۹۷۳	۵۷,۳۲۱۵۲۳۵۷	-	سایر فلزات	۱۶
۲,۴۸۴۹۴۷	۱,۱۹۸,۹۹۳۲۹	۵۶,۷۲۷۱۲۳۶۱	۰,۲۴۶۲۱۳۱۵۶	محصولات فلزی	۱۷
۲,۳۲۸۲۶۸	۱,۱۲۲۵۵۷۸۰۸	۶۰,۲۸۸۶۳۳۶۶	۱۵,۶۴۴۷۳۷۹۷	ماشین آلات با کاربرد عام	۱۸
۳,۷۵۷۴۳۱	۱,۸۱۱۱۶۱۸۴۸۷	۵۲,۹۲۵۵۳۳۹۱	۱۳,۷۹۲۳۸۹۲۴	ماشین آلات با کاربرد خاص	۱۹
۲,۵۹۲۸۱۸	۱,۲۵۰,۱۰۸۵۷۴	۵۶,۲۱۷۵۲۵۷۸	۲۵,۳۵۵۲۴۰۱	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۰
۰,۶۷۰۲۸۸	۰,۳۲۳۱۷۴۷۶۴	۷۳,۲۵۹۰۰۶۵۷	۱۶,۴۷۱۸۴۴۶۵	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۲۱
۴,۸۱۱۱۲۶۸	۲,۳۱۹۷۱۸۶۸۴	۶۵,۵۸۸۴۱۸۲۵	۳,۲۶۷۰۳۵۲۱	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۵,۲۴۵۴۰۵	۲,۵۲۹,۰۳۴۷۰۶	۵۶,۰۴۴۲۴۵۳۴	۲۶,۱۹۸۳۷۷۴۳	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۳,۸۹۴۱۸۳	۱,۸۷۷۵۵۲۴	۶۹,۴۱۰۱۴۶۶۷	۳۳,۴۲۶۴۲۹۹۶	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتопدی	۲۴
-۰,۶۱۲۷۴	-۰,۲۹۵۴۳۰۲۲۲	۶۳,۲۲۸۸۹۹۲۵	۲۰,۰۳۷۱۲۱۶۹	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مجی و انواع دیگر ساعت	۲۵
-۰,۰۰۴۸۳	-۰,۰۰۲۳۲۸۲۷۱	۴۱,۲۴۴۷۵۶۲۲	۰,۰۴۱۸۱۴۸۹۵	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدن، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۲۶
۴,۳۰۹۱۹۴	۲,۰۷۷۶۴۷۷۲۷	۵۴,۸۵۳۴۷۱۵۳	۲۸,۰۵۶۵۲۸۳۳	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۶,۲۰۸۷۴	۲,۹۹۳۴۹۹۸۳۷	۶۹,۹۵۶۱۰۷۸	۳۱,۶۹۷۱۲۲۰۴	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندي نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات تحقیق

منابع

- باقری نژادیان فرد، محمد باقر (۱۳۷۷)، "بررسی عوامل مؤثر در تعیین حداقل دستمزد کارگران ایران و ارایه راه-کارهای مناسب"، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰)، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، تهران: اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- برانسون، اچ ویلیام (۱۳۸۴)، *تئوری و سیاست های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- توفیق، فیروز (۱۳۷۱)، *تحلیل داده - ستانده در ایران و کاربردهای آن در سنجش، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی*، چاپ اول، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- جلالی نائینی، سید احمد رضا، محمد رضا میرحسینی (۱۳۷۷)، "یک الگوی تلفیقی تورم: فشار هزینه و اضافه تقاضا"، برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۹۱-۱۰۵.
- جهانی راینی، پروانه، اشرف السادات میری، خدیجه تقی‌زاده، بنفشه پورحسینی و نجم الدین آهمند (۱۳۸۶)، "رونده نرخ تورم طی سال‌های اخیر؛ علت‌شناسی و ارائه راهکارهای اجرایی مقابله با آن"، ماهنامه مسائل و سیاست‌های اقتصادی (ویژهنامه تورم)، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۱۰۷-۷۹.
- سوری، علی، محسن بختیار (۱۳۷۷)، "بررسی اثرات تورمی افزایش قیمت انرژی"، وزارت نیرو، معاونت برق و انرژی، گروه مدل‌سازی و تلفیق، دفتر برنامه‌ریزی انرژی، صص ۱-۷.
- مؤسسه کار و تأمین اجتماعی گروه اقتصاد کار (۱۳۷۳)، "رونده حداقل مزد"، کار و جامعه، شماره ۴، صص ۲۰-۱۷.
- ملک‌محمدی، بهروز (۱۳۶۸)، "صورت جلسات شورای اقتصاد ۱۳۶۵-۱۳۵۲"، حقوق و دستمزد جمعیت و نیروی انسانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- وزارت کار و امور اجتماعی، اداره کل بهره‌وری و مزد (۱۳۸۱ و ۱۳۷۹)، "گزارش راجع به مزد"، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت تنظیم روابط کار.
- وزارت کار و امور اجتماعی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی (۱۳۸۰)، "تاریخچه حداقل دستمزد در ایران"، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی.

Aaronson, Daniel and Eric French (2006), "Output Prices and the Minimum Wage", *Employment Policies Institute*, pp 1-15.

Bhaskar, V. and Ted to (1998), "Minimum Wages for Ronald Macdonald Monopsonies: A Theory of Monopsonistic Competition", pp1-17.

Borjas, J, George (2005), "Labor Economics", Published by McGraw-Hill/Irwin, a Business Unit of McGraw-Hill Companies United States, New York: Third Edition, p 536.

Eatwell, John, Morray Milgate and Peter Newman (1988), "The New Palgrave a Dictionary of Economics", Volume 4 (Q to Z), Published in the Macmillan Press Limited, London.

Lee, Chinkook and Brian O'Roark (1999), "The Impact of Minimum Wage Increases on Food and Kindred Products Prices: An Analysis of Price Pass – Through", US Department of Agriculture Technical Bulletin, No.1877.

- Lee, Chinkook, Gerald Schluter, and Brian O'Roark** (2000), "How Much Would Increasing the Minimum Wage Affect Food Prices?", *Agriculture Information Bulletin* No.747-03, pp 1-8.
- Lee, Chinkook, Gerald Schluter and Brian O'Roark** (2000), "Minimum Wage and Food Prices: an Analysis of Price Pass –Through Effect", Economic Research Service, US Department of Agriculture, *International Food and Agribusiness Management Review* 3, pp 111 – 128.
- Lemos, Sara** (2004), "The Effect of the Minimum Wage on Prices in Brazil", University of Leicester, Working Paper No.04/6.
- Lemos, Sara** (2006), "A Survey of The Effects of The Minimum Wage on Prices", University of Leicester, UK, Department of Economics, Working Paper No. 06/9, pp 1-37.
- MaCurdy, T, F. McIntyre** (2001), "Winners and Losers of Federal and State Minimum Wage", Employment Policies Institute Foundation Paper 6/01, pp 1-71.
- O'Brein-Strain, Margaret, Thomas MaCurdy** (2000), "Increasing the Minimum Wage: California's Winners and Losers", *Public Policy Institute of California*, pp 1-79.
- Wolf, E. and M. Nadiri** (1981), "A Simulation Model of the Effects of an Increase in the Minimum Wage on Employment, Output and the Price Level", *Report of the Minimum Wage Paper Commission*, 6, pp 217- 232.